



بررسی گفتمان سوره الرحمن از منظر زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی اجتماعی و انعکاس آن در نگاره‌های معراج‌نامه شاهرخی

مریم شاهرخی شهرکی^۱ ID

^۱ استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. shahrokhmaryam@pnu.ac.ir.com

چکیده

در قرآن نشانه‌هایی برای اندیشمندان است و می‌توان گفت جنبه‌های کلامی و گفتمانی منحصر به فرد این کتاب آسمانی یکی از مصادیق این نشانه‌هاست. این پژوهش با بررسی ویژگی‌های نشانه‌شناختی گفتمان قرآنی از منظر زبان‌شناسی به ارائه و تعبیر برخی نشانه‌ها می‌پردازد. بدین منظور و از آنجا که سوره الرحمن، عروس قرآن، حاوی گفتمانی خاص و منحصر به فرد است. در این پژوهش برخی عناصر فرانش‌های اندیشگانی، بینافردی و متنی آیات آن که به ترتیب از منظر نشانه‌شناختی با زمینه یا موضوع سخن، فضا سازی شخصیتی و نوع سخن ارتباط دارند، به روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. حضور پربسامد فرایندهای مادی در آیات ابتدایی، فرایند بیانی در تمام طول سوره و فرایندهای وجودی و شناسایی در آیات انتهایی، استفاده از ضمیر دوم شخص مثنی «گما (شما)» به منظور تأکید و جلب توجه مخاطب و استفاده از واژه «رب» به جای استفاده از ضمیر اول شخص مفرد برای اشاره به گوینده یا ارجاع نقشی، از مهم‌ترین نتایج این بررسی است. برخی از مهم‌ترین استدلال‌ات نشانه‌شناختی این یافته‌ها عبارت‌اند از: سیر ارائه مضامین از عناصر عینی و ملموس به سمت عناصر فرادنیوی و اخروی و قیاس میان آن‌ها برای تجسم بخشی به واقعیت دنیای آخرت، تأکید بر مهم‌ترین وظیفه مخاطبان یعنی ایمان به وجود خالق توانا، عدم استفاده از قدرت گوینده و ایجاد فضایی برابر میان گوینده و مخاطب برای تصمیم‌گیری بر اساس تفکر و خرد و نیز تأکید بر یکسان بودن همه انسان‌ها در برابر پروردگار. این مشخصات گفتمانی در کنار سایر مشخصات بی‌ظنیر زبان‌شناختی مانند دل‌نشینی آوایی، نظم‌آهنگ، روابط معنایی و ... باعث تأثیر در عمق جان و خرد شنوندگان کلام وحی می‌شود و آنان را که با تدبر و استدلال به این گفتمان گوش فرامی‌دهند، به تفکر و اندیشه وامی‌دارد. بررسی مضمونی معراج‌نامه شاهرخی و انطباق آن با نگاره‌های موجود در این اثر، بر وجود نشانه‌شناختی در آن تأکید دارد.

اهداف پژوهش:

۱. پیدا کردن ترتیب ارائه افعال و نقش نشانه‌شناختی آن‌ها و یافتن نقش متناظر آن‌ها.
۲. بررسی نشانه‌شناختی در نگاره‌های معراج‌نامه شاهرخی.

سؤالات پژوهش:

۱. ترتیب ارائه افعال و نشانه‌شناختی در سوره الرحمن چگونه است؟
۲. نشانه‌شناختی چه جایگاهی در نگاره‌های معراج‌نامه شاهرخی دارد؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۷

دوره ۱۹

صفحه ۶۸۹ الی ۷۱۰

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۰۵

تاریخ داوری: ۱۴۰۱/۰۱/۳۰

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۹/۰۱

کلمات کلیدی

زبان‌شناسی هلیدی،

نشانه‌شناسی،

سوره الرحمن،

نگاره‌های معراج‌نامه

شاهرخی.

ارجاع به این مقاله

شاهرخی شهرکی، مریم. (۱۴۰۱). بررسی

گفتمان سوره الرحمن از منظر زبان

شناسی و نشانه‌شناسی اجتماعی و انعکاس

آن در نگاره‌های معراج‌نامه شاهرخی.

مطالعات هنر اسلامی، ۱۹(۴۷)، ۶۸۹-

۷۱۰.



[dori.net/dor/20.1001.1
.۱۷۳۵۷۰۸.۱۴۰۱.۱۹.۴۷.۴۱](https://doi.org/10.22034/IAS.2023.382212.2155)



[dx.doi.org/10.22034/IAS
.2023.382212.2155](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2023.382212.2155)

مقدمه

پنجاه و پنجمین سوره قرآن، سوره الرحمن، ۷۸ آیه دارد و نام دیگرش «آلاء» است. در فضیلت این سوره از پیامبر اسلام صلی‌الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرمودند هر چیزی عروسی دارد و عروس قرآن سوره الرحمن است (نوری، ۴ / ۳۵۱) و در روایات دیگری آمده: هرکسی سوره الرحمن را قرائت کند خداوند به ضعف و ناتوانی او رحم می‌آورد و او توانایی ادای شکر نعمت‌های خدادادی را پیدا می‌کند (طبرسی، ۱۴۰۸: ۳۲۶/۹). این سوره نیز به مانند دیگر سوره قرآن دارای مفاهیم و مضامین عالی است که در گفتمانی خاص به شیوه‌ای منحصر به فرد ارائه شده است. از آنجاکه قرآن جملات خود را آیه می‌داند: «تلك آیات الكتاب المبين» (سوره یوسف، آیه ۲)، مفهوم نشانه‌ها و درک معنای آن‌ها اهمیت بسیاری در درک کل قرآن خواهد داشت. برای بررسی مفاهیم و مضامین لفظی و معنایی قرآن کریم، محققان عرب‌زبان و قرآن‌پژوهان دانش زبان‌شناسی را از دیرباز مورد توجه قرار داده بودند. نخستین بار ابو عبدالله محمد بن یزید الواسطی (۳۰۶ ق)، کتاب اعجاز القرآن فی نظم و ترتیب را درباره بلاغت قرآن نوشت (فراسخواه، ۱۳۷۶: ۵۳). عبدالقاهر جرجانی (۴۷۲ ق) با کتاب دلائل العجاز فی علم المعانی، زمخشری (۵۳۹ ق) با کتاب تفسیر الکشاف و سکاکی (۶۲۹ ق)، با تدوین دایره المعارف مفتاح العلوم، پژوهش‌های زبان‌شناسی در مطالعات قرآنی را گسترش دادند (بوآس و همکاران، ۱۳۷۶: ۱۵۶).

امروزه پیشرفت‌ها و تحولاتی که این دانش در چند دهه اخیر کسب کرده است، آن را بیش‌تر از گذشته مورد توجه همه محققان و قرآن‌پژوهان قرار داده است؛ زیرا ابزارهای جدیدی هم برای بررسی صنایع و آرایه‌های لفظی و هم برای کاویدن عمق مفهوم و مضامین قرآن ارائه داده است. اولین کسی که مباحث واژه‌شناسی جدید را در معناشناسی و تفسیر قرآن به کار گرفت، ایزوتسو ژاپنی بود. او که قرآن را به زبان عربی ترجمه کرد به برکت ترجمه در این زمینه دو کتاب با عنوان‌های خدا و انسان در قرآن (۱۹۶۴) و مفاهیم اخلاقی در قرآن (۱۹۵۹) دارد و هدف خود در کتاب دوم را این‌گونه توصیف می‌کند: «می‌خواهم کاری کنم خود واژه‌ها و مفاهیم قرآنی با شما صحبت کنند». وی در ادامه کتاب خود بیان می‌کند قرآن با یک انقلاب معناشناسی و ایجاد نظام معنایی جدید بر روی واژه‌های پیشین، جهان‌بینی اعراب را تغییر داده است (ایزوتسو، ۱۹۵۹، نقل از قائمی‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۴۰). وی برای یافتن معانی واژه‌ها در قرآن به شدت تکیه بر روابط بافتی؛ مانند همنشینی و تقابل با دیگر واژه‌ها در متن قرآن را مورد تأکید قرار می‌دهد (همان: ۱۴۱).

دانش زبان‌شناسی اخیراً به مدد تحولات حاصل شده در بخش تحلیل گفتمان می‌تواند با استفاده از روابط بافتی، متنی و واژگانی موجود در جملات، استدلال‌های نشانه‌شناختی و معانی ثانویه موجود در متن را مورد تعبیر و تفسیر قرار دهد (اگینز، ۲۰۰۴). تحلیل گفتمان انتقادی که در زبان فارسی به «سخن‌کاوی»، «تحلیل کلام» و «تحلیل گفتار» نیز ترجمه شده است روشی نوین برای پژوهش در متن‌های ارتباطی است که برای شناخت پیام و معنی به کاررفته در متون توسعه یافته است و سعی می‌کند با کشف حقایق مربوط به سطوح زیرساختی متون مانند بافت فرهنگی و

موقعیتی، آنچه در پشت واژه‌ها و متون زبانی مخفی مانده است را برای عموم مردم و به زبانی مستدل آشکار نماید و سازوکارهای تولید و تفسیر متن را نشان دهد (اگینز، ۱۹۹۴: ۱۸).

پژوهشگران معاصر نیز در سایه این یافته‌ها تحقیقاتی در زمینه قرآن‌پژوهی به انجام رسانده‌اند، قائمی‌نیا (۱۳۸۶)، به توصیف و تبیین دانش نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن می‌پردازد. به اعتقاد وی نشانه‌شناسی یک نظام معنایی ارائه می‌دهد لذا می‌تواند قرآن را به‌عنوان یک نظام و مجموعه معنایی منسجم تعبیر و تفسیر کند و این موضوع برای بررسی این کتاب مقدس حائز اهمیت است. نجفیان و همکاران (۱۳۸۹) به بررسی نشانه‌شناختی واژه آیه در قرآن کریم پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد برای تبیین وجوه متفاوت این واژه توجه به بافت متنی بلافصل و بافت متنی گسسته ضروری است و برای تفسیر درست و دقیق این کتاب، نگاهی کل‌گرایانه الزامی است. به اعتقاد آنان هر یک از جملات قرآن را می‌توان چون جهانی مستقل در نظر گرفت که در عین حال با دنیاهای پیرامون دور و نزدیک خود ارتباطی نزدیک دارد و با هر دنیایی معنایی متفاوت حاصل می‌شود. محکی و سوزنچی (۱۳۹۱) به نشانه‌شناسی نمادهای بهشت در قرآن کریم با استفاده از الگوی نشانه‌شناسی یاکوبسن درباره کارکردهای زبان پرداخته‌اند و کارکردهای ارجاعی، عاطفی، ترغیبی، همدلی، فرازبانی و ادبی را برای این واژه در قرآن به ترتیب بسامد ارائه داده‌اند. میر دهقان و همکاران (۱۳۹۲)، گفتمان قدرت در قرآن را با استفاده از رویکرد وندایک مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند رویکردهای مستقیم و غیرمستقیم هر دو برای نمایش قدرت خداوند در قرآن کریم استفاده شده‌اند. شریفی و نجم‌الدین (۱۳۹۳)، تحلیلی نشانه‌شناختی از گفتمان سوره الرحمن را بر اساس الگوی تنشی ارائه داده‌اند. تحقیق آنان نشان داد گفتمان این سوره از نظر تنشی دارای دو بعد عاطفی و شناختی است و اینکه تحلیل فرآیندهای گفتمانی در قرآن کریم نشان می‌دهد که مطالعه معنا در قرآن کریم می‌تواند از چارچوب سنتی مطالعه لفظ-معنا فراتر رود و متوجه تولید و صورت‌بندی نشانه - معنا در فرآیند گفتمان باشد. محققین و پرچم (۱۳۹۴) نشانه‌شناسی ارتباطات غیرکلامی در آیات قرآن کریم را بررسی کرده‌اند. نتایج پژوهش آنان نشان داد کارآمدترین و پربسامدترین ارتباطات غیرکلامی به‌کاررفته در قرآن کریم عبارت‌اند از ارتباطات دیداری، شنیداری، بویایی، چشایی، بساویی، زمانی، مکانی و رفتاری. نامداری و عبادی (۱۳۹۶) نیز به تجزیه و تحلیل گفتمان بشارت در قرآن باتکیه بر کارگفت‌ها از دیدگاه زبان‌شناسی پرداخته‌اند و نشان دادند در کارگفت بشارت خداوند با وعده‌های دنیوی و اخروی مخاطب را برای قبول ایمان و انجام تکالیف ترغیب و تشویق می‌کند. در این میان مخاطب باید آزادانه و با اختیار خود موضوع را قبول یا رد کند و در هیچ مرحله‌ای احساس تکلیف و اجبار نکند.

بررسی اجمالی سیر تحقیقات زبان‌شناختی در حوزه مطالعات قرآنی نشان می‌دهد دامنه و تعداد این پژوهش‌ها در سال‌های اخیر روند صعودی دارد. از سویی دیگر، در خصوص کارایی این شاخه علمی برای کشف دلالت‌های معنایی قرآن و متون دینی در فرایند تولید معنا باید گفت بسیاری از محققان معتقدند از آنجاکه شیوه ارتباط مطالب دینی با انسان از رهگذر کلام و زبان انجام می‌گیرد، هر دانشی به فهم متون بپردازد مورد توجه پیروان دینی قرار می‌گیرد و می‌تواند مفسران دینی را در تأسیس و پردازش روشی بایسته برای بیان مفاهیم دینی یاری رساند یا آنان را برای بیان

مستدل و دقیق‌تر برداشت‌ها و نظریات خودیاری دهد (مسعودی، ۱۳۸۶: ۲۷)؛ لذا این پژوهش به بررسی نشانه‌شناسی مفاهیم ارائه‌شده در سوره الرحمن با استفاده از مدل نشانه‌شناختی که اگینز (۲۰۰۴) برای کاربری زبان‌شناسی نظام‌مند هلیدی در تحلیل گفتمان و نشانه‌شناسی ارائه می‌دهد می‌پردازد. دستاورد جدید پژوهش حاضر و امتیاز آن از دیگر پژوهش‌ها و تحقیقات قبلی، کاربری دانش نشانه‌شناسی باتکیه بر چارچوب‌های زبان‌شناسی و تحلیل گفتمان در آیات قرآن کریم است.

مهم‌ترین سؤالات پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

۱. مهم‌ترین فرایندهایی که در این آیات مطرح شده‌اند کدام‌اند؟
۲. سیر منطقی ارائه فرایندها در این آیات چه ترتیبی دارد؟
۳. به‌کارگیری ضمائر شخصی و یا اسامی دارای مرجع معین در این آیات چگونه است؟

به اعتقاد بسیاری از زبان‌شناسان از جمله هلیدی، با خواندن هر متن می‌توان سیاق آن را تشخیص داد (اگینز، ۲۰۰۴: ۸۵). این موضوع بدان علت است که متن در درون خود نشانه‌هایی از محیط و بافت موقعیتی را رمزگذاری می‌کند و خواننده با رمزگشایی این کدها می‌تواند سیاق، ژانر و بسیاری دیگر از مشخصات موقعیتی متن را تشخیص دهد. یکی از زمینه‌های موردعلاقه زبان‌شناسی نظام‌مند نقش‌گرا در این زمینه کشف چگونگی کدگذاری عناصر بافت موقعیتی در متن و تلاش برای ارائه شیوه‌هایی برای رمزگشایی این کدهای موقعیتی است (همان: ۸۸).

این پژوهش از جمله پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی است که از طریق تحلیل محتوای کیفی با رویکردی بین‌رشته‌ای به بررسی آیات قرآن کریم می‌پردازد. جامعه آماری آن را مجموعه آیات قرآن کریم تشکیل می‌دهد که از میان آن‌ها آیات (۷۸ آیه) سوره مبارکه الرحمن برای بررسی انتخاب شد. این سوره تنها سوره‌ای است که در آن یک آیه به شکل یکسان در طول سوره تکرار شده است (۳۱ بار)، لذا به‌لحاظ زبان‌شناختی می‌تواند نشانه‌های بسیار زیادی را در قالب مدل هلیدی القا کند. به همین دلیل این سوره برای بررسی در این چارچوب موردگزینهش قرار گرفت. سپس طبق مدل هلیدی که اگینز (۲۰۰۴) به تشریح و کاربری آن پرداخته است، از منظر فرانشی اندیشگانی، موضوع بحث این آیات و تعبیر نشانه‌شناختی آن‌ها، یعنی نوع فرایندهای مورد استفاده در آیات، مشارکان فرایندها و عناصر پیرامونی که در آیات بدان‌ها اشاره شده است، مورد بررسی قرار گرفت. همچنین نقش استفاده از ضمائر و اسامی معرفه به‌عنوان یکی از عوامل ایجاد انسجام در فرانشی متنی بررسی شد و تفسیر نشانه‌شناختی آن در قالب مدل مورد استفاده ارائه گردید. شایان‌ذکر است به‌منظور پایایی بیشتر نتایج تحقیق، داده‌ها پس از تحلیل توسط محقق در اختیار تعدادی از زبان‌شناسان و متخصصان زبان عربی قرار داده شد و متغیرهای مورد بررسی به تأیید آنان نیز رسید.

۱. رویکرد زبان‌شناسی هلیدی

یکی از رویکردهای زبان‌شناسی که برای تحلیل گفتمان انتقادی استفاده می‌شود، زبان‌شناسی نظام‌مند هلیدی (۱۹۷۸، ۱۹۸۵، ۱۹۹۴) است. از نظر هلیدی زبان نظامی است برای ساختن معنا (هلیدی، ۱۹۹۴، ۵۵) و همه زبان‌ها بر اساس سه معنای بنیادی سازماندهی می‌شوند که عبارت‌اند از الف) معنای اندیشگانی، ب) معنای بینافردی و ج) معنای متنی (هلیدی، ۱۹۹۴: ۶۳) معنا یا فرانشی اندیشگانی بر محتوای سخن، فرانشی بینافردی بر عاملان سخن و روابط آن‌ها و فرانشی یا معنای متنی بر عوامل انسجام و متنیت متن متمرکز می‌شوند و نوع‌گزینش واژگان و عناصر دستوری در متن از منظر تمامی این فرانشی‌ها حاوی پیام‌هایی خاص جهت تعبیر و تفسیر متن است.

تاکنون محققان توانسته‌اند با استفاده از سیستم نظام‌مند هلیدی در تحلیل گفتمان، تعبیر نشانه‌شناختی زبانی جدیدی را از این بررسی‌ها به دست آورند: گرابر (۲۰۰۱)، به بررسی بافت موقعیتی عجین شده در متن کتاب انجیل متی با استفاده از سیستم نظام‌مند هلیدی می‌پردازد. او که به بررسی هر سه فرانشی مطرح شده در دیدگاه هلیدی و تعبیر نشانه‌شناختی که گزینش واژگان و عناصر دستوری در هر سطح به همراه دارد همت گمارده است و در خصوص فرانشی بینافردی نتیجه گرفته است، فضا‌سازی شخصیتی یکی از مهم‌ترین عناصر بافتی است که در متن نمود پیدا می‌کند (گرابر، ۲۰۰۱: ۱۲۹). بانکس به معرفی سیستم نظام‌مند هلیدی به عنوان مدلی برای تجزیه و تحلیل متون پرداخته است. به عقیده وی رابطه یک‌به‌یک میان فرانشی‌های دیدگاه هلیدی با سه نظام نشانه‌شناختی مضمون، فضا‌سازی شخصیتی و شیوه بیان وجود دارد (بانکس، ۲۰۰۲: ۱۷۶). هلیدی معتقد است از آنجاکه زبان یک نظام نشانه‌ای است و از سوی دیگر متغیرهای بافتی و معنای زبان یک رابطه دوسویه دارند، بنابراین (اگینز، ۲۰۰۴: ۱۱۰-۱۱۱):

۱. نشانه‌های زمینه یا موضوع سخن را می‌توان در ساخت اندیشگانی یعنی نوع فرایندها، اسامی، مشارکان کلام، قیود و عناصر حاشیه‌ای رمز‌گذاری و نیز رمز‌گشایی کرد.

۲. نوع و حالت سخن در ارتباط با معنای متنی تبلور پیدا می‌کند. یعنی از طریق بررسی ساخت متنی شامل ساخت مبتدا - خبری و انسجام می‌توان نوع و حالت سخن را کدگذاری و کدگشایی نمود.

۳. فضا‌سازی شخصیتی نیز در فرانشی بینافردی متجلی می‌شود؛ لذا با کدگذاری و کدگشایی ساختار وجه که شامل فاعل و انواع کنش‌های گفتاری (پرسش، اظهار، امر و پیشنهاد) است، همچنین با در نظر گرفتن میزان قطعیت، منادا و... در زبان قابل بررسی است.

اگینز (۲۰۰۴) با بررسی چگونگی کاربست مدل هلیدی برای تجزیه و تحلیل نشانه‌شناختی متون معتقد است از آنجاکه بافت موقعیتی در متن متجلی می‌شود، می‌توان در هر متن با تجزیه و تحلیل عناصر زبانی مربوط به هر فرانشی، به کلیده‌ها و نشانه‌هایی از بافت موقعیتی که به هنگام تولید متن وجود داشته و یا متن در آن بافت تولید شده است دسترسی پیدا کرد و براساس این کلیده‌ها معنای دقیق‌تر و کامل‌تری از متن ارائه داد (اگینز، ۲۰۰۴: ۱۱۲)؛ لذا این

فرایند با توجه به نشانه‌ای بودن سیستم زبان یکی از فرایندهای نشانه‌شناختی در سطح روابط متنی تلقی می‌شود و بدین ترتیب با رمزگشایی متون می‌توان تعبیر و تفاسیر معنایی و نشانه‌شناختی مستدل و قابل دفاعی برای متن فراهم آورد.

در زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی مؤلفه‌های معنایی زبان متشکل از سه فرانش اندیشگانی، بینافردی و متنی است (هلیدی، ۱۹۹۴: ۵-۹). فرانش اندیشگانی نحوه بازنمایی واقعیت دنیای بیرون را در زبان نشان می‌دهد، در واقع این فرانش با محتوای پیام سروکار دارد و در این نقش است که ارتباط زبان و اندیشه به طور جزئی و دقیق کشف می‌شود. فرانش بینافردی نشان می‌دهد که معنا چگونه از طریق انتخاب‌های زبانی که نمایانگر رابطه میان مشارکان است مورد تبادل قرار می‌گیرد. این فرانش رابطه میان گوینده و مخاطب و گوینده و متن تولید شده را در نظر می‌گیرد. فرانش متنی نیز به بخشی از عناصر زبانی توجه می‌کند که متنتیت یک متن را رقم می‌زنند و باعث تمایز آن از زنجیره‌ای از لغات بی‌ربط می‌شوند، مانند ساخت اطلاع، ساخت مبتدا-خبری و انسجام (همان: ۹).

۲. معراج‌نامه شاهرخی

در طول تاریخ، انعکاس آثار نگارگری و سنت‌های تصویری فرهنگ‌ها و ملل بر یکدیگر، همواره مشاهده می‌شود. این تأثرات، در دوران حکومت تیموری و مکتب نگارگری هرات به‌وضوح قابل رؤیت بود؛ زیرا ساختار فکری، فرهنگی، ادبی و هنری ایران، از آسیای میانه متأثر بوده است. نمونه این تأثیرات مصور را در نسخه خطی «معراج‌نامه شاهرخی»، با سنت‌های تصویری بودائی و شرق دور می‌توان مشاهده کرد. با توجه به اینکه در نسخه معراج‌نامه شاهرخی، نظام‌های کلامی و تصویری مکمل یکدیگر بوده‌اند و نظام کلامی، پایبند به روایات متعدد در داستان معراج بوده و به نوعی دربردارنده مفاهیم اسطوره‌ای است. بررسی‌ها، نشانگر وجود اشتراک در عناصر فرمی تصاویر در هر دو پیکره مطالعاتی؛ از جمله ابزار شکنجه و مجازات گناهکاران هستند و شباهت در بخش اسطوره‌های پنهان در تصاویر که می‌تواند دارای نقش مشابهی باشد (شادقزوینی، وکیلی، ۱۳۹۸: ۱۰۷). از جمله روایت‌های داستان زندگی پیامبر اسلام (ص) که در قرآن و دیگر منابع و به نقل از راویان متعدد آورده شده، معراج آن حضرت است که در ادبیات فارسی و عربی و در منابع منظوم و منثور بسیار به آن ارجاع داده شده است. معراج‌نامه، شرحی که به صورت نثر درباره معراج پیامبر اکرم (ص) نوشته شده، به‌عنوان دو الگوی سفر معنوی و روحانی به عوالم پس از مرگ آدمی است.

آفرینش این‌گونه آثار که برخاسته از باورهای قومی و دینی در دو فرهنگ غرب و شرق است، همواره الهام‌بخش هنرمندان، شاعران، نویسندگان، نقاشان و نگارگران در دوره‌های مختلف بوده است. نگارگری ایرانی ریشه در اعماق تاریخ، تمدن و فرهنگ ایرانی دارد و در شکوفاترین دوره‌های خود، هنری در خدمت دین و مذهب و در جهت بیان اندیشه‌های مذهبی و دینی بوده است و همچنین توانسته است در طی سده‌های متمادی، با تکیه بر غنای تحسین‌برانگیز فرم و معنا حامل پیام‌های والای روحانی برای مخاطبان باشد. فهم صحیح رابطه میان پیام و معنا از یک طرف و فنون بصری از طرف دیگر، باعث به‌وجود آمدن یک اثر بصری ناب از معراج‌نامه پیامبر (ص) شده است. هنرمند با تسلط بر

تکنیک‌ها و فنون بصری، بر ایجاد معانی بصری احاطه کامل یافته و از میان همه فنون بصری، تضاد یا تقابل‌ها بیش از همه در پیام بصری مؤثر واقع شده است. تضاد موجود در رنگ، ترکیب، نژاد و ... باعث حساس‌تر شدن قوای حسی بیننده اثر نسبت به معنای آن شده است. در بررسی نگاره‌های بهشتیان و دوزخیان معراج‌نامه، حضور نشانه بهشتیان (خود) به دلیل تفاوت در جنس دال، سبب تغییر در وضعیت حضور نشانه دوزخیان (دیگری) می‌شود و به این ترتیب کارکرد نشانه معنای آن را دگرگون می‌سازد. این دگرگونی خود مدیون شکل باختگی نشانه دوزخیان (دیگری) می‌باشد که به واسطه تفاوت در چهره، پوشش، ترکیب‌بندی، اندام، نژاد و ... سبب در حاشیه قرار گرفتن می‌شود (سامانی‌فر، نجم‌الدین، ۱۳۹۴: ۱).

۳. گفتمان سوره الرحمن از منظر زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی اجتماعی و بازتاب آن در نگاره‌های

معراج‌نامه شاهرخی

در این بخش براساس آشنایی نگارنده با زبان عربی و نیز با مراجعه به تفاسیر قرآنی نور و المیزان و پس از تأیید توسط سه تن از زبان‌شناسان و متخصصان زبان عربی، هر یک از فرانش‌ها به‌طور جداگانه ارائه و بررسی خواهد شد. البته به دلیل وسعت مفاهیم مورد بررسی در فرانش بین‌فردی و اینکه این موضوع به قدری مفصل است که خود مقاله یا مقالات دیگری را می‌طلبد، بررسی تمامی آیات از منظر فرانش بین‌فردی به نوشتار دیگری موکول خواهد شد و تنها جنبه‌هایی از این فرانش بررسی خواهند شد که برای تبیین و تحلیل دو فرانش دیگر و استدلال‌های نشانه‌شناختی آن‌ها لازم است.

۳.۱. فرانش اندیشگانی

در بخش فرانش اندیشگانی، موضوع سخن با توجه به نوع فرایند و مشارکان آن‌ها و نیز عناصر حاشیه‌ای یا پیرامونی در جملات بررسی می‌شود. نوع فرایند را می‌توان با بررسی معنایی فعل جمله مشخص کرد. انواع فرایندهای موجود در ساخت اندیشگانی عبارت‌اند از: فرایندهای مادی، ذهنی، رابطه‌ای، رفتاری، بیانی و وجودی. فرایند رابطه‌ای نیز به نوبه خود به دو فرایند شناسایی و اسنادی تقسیم می‌شود (هلیدی، ۱۹۹۵: ۱۳۸). انواع فرایندهایی که در این آیات مشاهده شدند، به شکل جدول ۴-۱ طبقه‌بندی شدند:

جدول ۱. انواع فرایندها در آیات

نوع فرایند	شماره آیه
مادی	۴۱-۳۷-۳۵-۳۳-۳۳-۲۶-۲۲-۱۹-۱۹-۱۵-۱۴-۱۰-۹-۹-۸-۷-۷-۶-۳
ذهنی	۱۳-۱۶-۱۸-۲۱-۲۳-۲۵-۲۷-۲۸-۲۹-۳۰-۳۲-۳۴-۳۶-۳۸-۳۹-۴۰-۴۱-۴۲-۴۳-۴۵-۴۹- ۷۷-۷۵-۷۳-۷۱-۶۹-۶۷-۶۵-۶۳-۶۱-۵۹-۵۷-۵۵-۵۳-۵۱
رفتاری	۷۶-۷۴-۵۶-۴۴-۳۱-۲۰-۴-۲
بیانی	---
وجودی	۷۲-۷۰-۶۸-۶۶-۶۴-۶۲-۵۶-۵۲-۵۰-۴۶-۴۳-۲۷-۲۴-۲۰-۱۲-۱۱
رابطه‌ای - شناسایی	۶۰-۱۷
رابطه‌ای - اسنادی	۷۸-۵۸-۵۴-۵۴-۴۸-۳۷-۲۹-۲۴-۵

همان‌طور که مشاهده می‌شود مجموعاً ۹۱ فرایند در این سوره مشاهده شد که با توجه به تعداد آیات این سوره، تنها تعداد کمی از آیات دارای دو یا سه فرایند یا به عبارتی دو یا سه فعل بودند. شمارگان تکراری آیات نشانگر تعداد فرایندهای متفاوت تکرار شده در یک آیه است. به ترتیب فرایندهای بیانی، مادی، وجودی و رابطه‌ای از نوع شناسایی بیشترین بسامد تکرار را در آیات این سوره دارا هستند. نگاهی به ترتیب حضور این فرایندها نشان می‌دهد به جز فرایند ذهنی که مربوط به آیه "فبای الاء ربکما تُکذبان" است و استدلال نشانه‌شناختی آن متعاقباً خواهد آمد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، در آیات ابتدایی این سوره (آیات ۳ تا ۴۱)، فرایند مادی درصد بالایی دارد؛ در حالی که در آیات میانی و انتهایی فرایندهای وجودی و رابطه‌ای از نوع شناسایی به ترتیب بیشترین تعداد را دارند. (حدوداً از آیه ۲۰ تا آیات انتهایی، تمرکز و تکرار این فرایندها مطابق جدول مشهودتر است).

فرایندهای مادی بیانگر کنشی عینی هستند که توسط کنشگر یا عامل انجام می‌گیرد (هلیدی، ۱۹۹۴: ۱۴۵). مثلاً: عَلَّمَ الْقُرْآنَ (۲) خَلَقَ الْإِنْسَانَ (۳)، وَ الْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ (۱۰). در سه آیه مذکور افعال به ترتیب عبارت‌اند از عَلَّمَ، خَلَقَ وَ وَضَعَ. این افعال دلالت بر کنش‌های آموختن، خلق کردن و قراردادن می‌کنند که در زمره فرایندهای مادی

طبقه‌بندی می‌شوند. عامل یا کنشگر که به لحاظ ساخت دستوری با فاعل منطبق است در هر سه این آیات ضمیر مستتر سوم شخص مفرد است که به خداوند متعال برمی‌گردد. دیگر مشارک موجود در فرایندهای مادی کنش‌پذیر است که در نقش مفعول در بند تجلی می‌یابد. کنش‌پذیرها در آیات فوق به ترتیب عبارت‌اند از: قرآن، انسان و زمین. فرایندهای مادی به نشانگر مفاهیم ملموس و فیزیکی هستند (اگینز، ۲۰۰۴: ۳۳۵). از سوی دیگر، همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، از مهم‌ترین مشخصات فرایندهای مادی وجود عامل در آنهاست؛ لذا در آیات ابتدایی و فور این فرایندها و نیز وجود عامل یا کنشگری که در بیشتر آیات همان خداوند متعال است، نشانگر تأکید بر این است که عناصر و پدیده‌های دنیای پیرامون انسان‌ها که به راحتی برای همه افراد بشر ملموس و عینی هستند به خودی خود به وجود نیامده‌اند، بلکه دارای عاملی هستند که با قدرت خود آن‌ها را با این نظم به شکل ثابت و مطلوب برای انسان‌ها و سایر موجودات عالم پدید آورده است. نام‌بردن این فرایندهای مادی در کنار عامل ایجادکننده آن‌ها در آیات ابتدایی، در ابتدا توجه انسان را معطوف به جنبه‌های عینی و مادی دنیای پیرامون خود می‌کند که انکار آن به راحتی به دلیل عینیت و کثرت وجود ابداً امکان‌پذیر نیست.

دیگر فرایندها بسیار پربسامد در این آیات فرایند ذهنی است. فرایندهای ذهنی مبین حالت‌های ذهنی و احساسات و ادراک هستند. در این فرایندها همیشه دو شرکت‌کننده وجود دارد. یکی از آن‌ها جاننداری ذی‌شعور است که توانایی ادراک اندیشه و احساسات را دارد و به آن مدرک یا حس‌گر می‌گویند. مشارک دیگر آن است که احساس یا ادراک می‌شود و پدیده نام دارد. برخی از افعال این گروه عبارت‌اند از: فکرکردن، قبول کردن، دوست داشتن و... (هلیدی، ۱۹۹۴: ۱۴۶). فرایند ذهنی در عبارت فَبَایِ الْاِیِّ رَبِّکَمَا تُکَذِّبَانِ پس از ۱۰ آیه اول تقریباً به‌طور یکنواخت تا آخر سوره سی و یک‌بار تکرار شده است. در بررسی ساخت این فرایند عناصر زیر قابل مشاهده است:

۱- فَبَایِ الْاِیِّ رَبِّکَمَا تُکَذِّبَانِ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پدیده فعل ذهنی+حس‌گر دوم شخص مثنی

لذا موارد زیر را می‌توان در مورد این آیه به ترتیب زیر مورد بررسی و تحلیل قرارداد.

- ۱- فعل ذهنی تکذیب کردن،
- ۲- حسگری که در فعل تکذبان با ضمیر مستتر مخاطب و مثنی در فعل تکذبان مشخص شده است.
- ۳- کلمه آلاء به معنای نعمت‌ها در جایگاه پدیده
- ۴- جمله‌بندی آیه در قالب پرسش انکاری. راز دید زبان‌شناسی نقش‌گرا این موضوع مربوط به فرانش بینافردي است؛ اما به جهت اینکه در تبیین موضوع در این قسمت حائز اهمیت است در این قسمت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

افعال ذهنی دارای یک مشارک هستند که مدرک یا حس‌گر نامیده می‌شود، وجه مشترک فرایندهای ذهنی این است که حتماً مشارکی که در جایگاه مدرک یا حس‌گر قرار می‌گیرد باید ذی‌شعور و دارای احساس باشد (اگینز، ۲۰۰۴: ۲۲۷). به دو مثال زیر توجه کنید:

۲- دانشجو درس را دوست دارد.

۳- کتاب درس را دوست دارد.*

مثال یک به دلیل همراهی جاندار ذی‌شعور با فعل ذهنی، صحیح است؛ درحالی‌که مثال دو که در کنار فعل ذهنی از حس‌گر دارای احساس و شعور استفاده نشده است، براساس شم زبانی گویشوران زبان صحیح نمی‌باشد؛ لذا از فاعل دوم‌شخص مثنی در فعل ذهنی تکذبان می‌توان متوجه شد، مرجع‌فاعل دو گروه از موجوداتی هستند که اولاً مخاطب آیات الهی هستند و درثانی در این دنیا قدرت ادراک و حس‌کردن مفاهیم و پدیده‌ها را دارند، لذا نه فقط انسان‌ها بلکه گروه دیگری از موجودات ذی‌شعور عالم در حکم حس‌گر یا مدرک این فرایند قرار دارند. با توجه به آیات ۱۴ و ۱۵ این سوره که به ترتیب به خلقت انسان و جنیان اشاره می‌کند. (خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ (۱۴) و خَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ (۱۵)) باید گفت گروه دیگر این مخاطبان همان جنیان هستند و از نظر قرآن جنیان هم دارای قوه تشخیص و تمیز و احساس و ادراک هستند. اما درخصوص نکته سوم یعنی جمله‌بندی عبارت در قالب پرسش یا استفهام انکاری از دیدگاه فضاسازی شخصیتی که مربوط به لایه واژی - دستوری بند و فرانش بینافردی است مطالب زیر را باید مورد‌ملاحظه و توجه قرار دهیم.

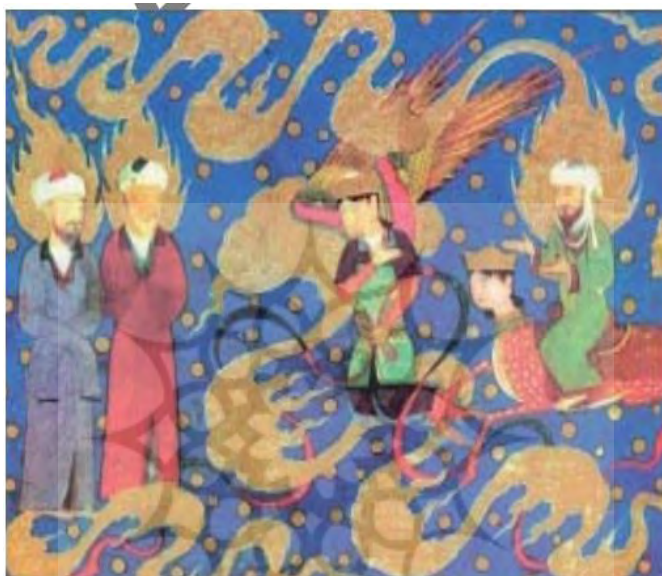
در تمامی تبادلات کلامی به اعتقاد هلیدی مشارکین گفتگو در یکی از نقش‌های دادوستد اطلاعات و کالاها با یکدیگر مبادله و تعامل انجام می‌دهند. یعنی ممکن است هر گوینده‌ای در گفته خود مطابق جدول زیر یکی از ۴ نقش مبادلاتی اطلاع‌رسانی، اطلاعات خواستن، خدمات‌رسانی و خدمات خواستن را داشته باشد:

جدول ۲. نقش‌های تعاملی گویندگان در گفتار

نقش گوینده	اطلاعات	کالا و خدمات
ارائه‌دهنده	اطلاع‌رسانی	خدمات‌رسانی
دریافت‌کننده	اطلاعات خواستن	خدمات خواستن

ساختار وجه در جملات نشان‌دهنده نوع نقش گوینده است. مثلاً در جملات خبری گوینده نقش اطلاع‌رسانی دارد، در جملات سؤالی، درخواست‌کننده اطلاعات است و در جملات امری نقش درخواست‌کننده کالاها و خدمات را برعهده دارد (همان: ۲۳۵). البته همیشه رابطه مستقیم میان وجه جملات و نقش گوینده و شنونده وجود ندارد و گوینده با استفاده از کنش‌های گفتاری غیرمستقیم با استفاده از یک وجه، می‌تواند نقشی متفاوت را که با آن وجه متناظر نباشد

به مخاطب القا کند. مثلاً به جای اینکه بگوید "این کار را انجام دهید" که وجه امری دارد و نقش درخواست کننده کالا و خدمات را برای گوینده متصور است، از عبارت "بهتر نیست این کار را انجام دهید؟" استفاده کند که در آن با استفاده از وجه سؤالی، نقش درخواست کننده کالا و خدمات را برای خود ایجاد می کند. این کار باعث ملایم کردن لحن گفتگو، ایجاد فضایی صمیمی و دوستانه در گفتگو و ترغیب مخاطب به جای اجبار او به انجام کار می شود (همان: ۳۳۶). در تصویر شماره ۱ که از نگاره های معراج نامه است. در این نگاره نیز فضای گفتگوی صمیمانه بین شخصیت ها مشهود است.



تصویر ۱. دیدار پیامبر با حضرت داود و سلیمان. معراج نامه شاهرخی. منبع: (رزسگای: ۱۳۸۲).

لازم به ذکر است گوینده کلام وقتی نقشی برای خود انتخاب می کند حتماً به طور ضمنی نقش مقابل آن را برای مخاطب خود برگزیده است. مثلاً کسی که سؤال می کند، نقش ضمنی اطلاع رسانی را برای مخاطب خود، در نظر می گیرد (همان: ۱۴۴). نقشی که گوینده برای خود و مخاطب خود در طول گفتگو اتخاذ می کند دارای تعبیر نشانه شناختی است. استفاده متوالی از وجه خبری باعث می شود متن یکدست و کسالت آور باشد، زیرا نقش مخاطب صرفاً دریافت کننده اطلاعات است که متضمن هیچ گونه فعالیت و پویایی او نیست. همچنین این وجه رابطه بسیار رسمی را میان گوینده و مخاطب ایجاد می کند ضمن اینکه بر رابطه نابرابری و وجود قدرت در گوینده نسبت به شنونده اشاره دارد. اما استفاده از وجه پرسشی در متن حتی اگر فضای واقعی متن هم گفتگو یا مکالمه دوسویه نباشد، با تغییر نقش گوینده و شنونده باعث شکستن یکنواختی و کسالت متن و ایجاد حس زنده بودن و ملموس بودن متن می شود، زیرا باعث گوشزد کردن نقش فعال و پویای مخاطب در جریان کنش ارتباطی می شود، برابری و یکسانی گوینده و شنونده را متذکر می شود، از میزان رسمی بودن و لذا یکنواختی و کسالت آوری متن می کاهد و مخاطب را ترغیب می کند بتواند ارتباط بهتری با متن و مطالب آن برقرار کند (همان: ۳۳۳). موقعیت کلاس درسی را در نظر بگیریم که در آن معلم صرفاً به تدریس و ارائه اطلاعات به دانش آموزان می پردازد و از سوی دیگر کلاس درسی که در آن معلم با

پرسیدن سؤال و دادن فرصت صحبت کردن به دانش‌آموزان به ارائه اطلاعات و دانش می‌پردازد، قطعاً در موقعیت دوم فعالیت، مشارکت و هیجان و تأثیرپذیری کلاس بیشتر خواهد بود و دانش‌آموزان راحت‌تر می‌توانند با معلم ارتباط برقرار کنند.

بنابراین، استفاده از صورت سؤالی این آیه از یک‌سو باعث تأکید بر نقش مخاطبین سوره که همان دو گروه انسان و جنیان هستند می‌شود و نشان می‌دهد گوینده این آیات به‌طور متوالی نقش خود و شنونده خود را تغییر می‌دهد تا آنان را به‌طور فعال در جریان متن وارد کند.

در تصویر شماره ۲ که مربوط به نگاره‌های معراج‌نامه شاهرخی است نه نوعی ترسیم نشانه‌ای اعمال در جهان آخرت دیده می‌شود؛ به‌طوری‌که اعمال انسان در آن جهان در شکل حیوانات خزانده به تنبیه انسان می‌پردازند.



تصویر ۲. نگاره مجازات متکبران یا خزندگان. معراج‌نامه شاهرخی. منبع: (رزسگای: ۱۳۸۲).

از سوی دیگر، فعل این عبارات سؤالی، فعلی ذهنی است که نشان می‌دهد عکس‌العملی که گوینده از مخاطب که به‌طور فعال او را وارد فضای گفتگو می‌کند می‌خواهد این است که صرفاً نوعی فعالیت ذهنی از خود بروز دهد نه اینکه موضوعی را بیان کند و یا کنشی به انجام رساند؛ زیرا فرایندهای ذهنی چنانچه اشاره شد به فعالیت‌های ذهنی که بیانگر احساسات، عواطف و اندیشه‌ها هستند دلالت می‌کنند.

در این آیات همان‌طور که پیش‌تر بیان شد استفاده از استفهام انکاری شیوه‌ای غیرمستقیم برای درخواست یا امر کردن است.



تصویر ۳. نگاره گفتگوی پیامبر و امهانی. معراج‌نامه شاهرخی. منبع: (رزسگای: ۱۳۸۲).

همان‌گونه که در تصویر بالا مشخص است گفتمان نقش برجسته‌ای در نگاره‌های معراج‌نامه شاهرخی دارد. در این تصویر حرکات دست و چهره پیامبر و امهانی حاکی از وجود نشانه‌شناختی عمیق در این اثر است.

به عبارت دیگر در این جملات، گوینده به‌طور غیرمستقیم از کنش گفتاری غیرمستقیم فرمان‌دادن در قالب جمله پرسشی استفاده می‌کند، چنانچه این کار با جملات وجه امری انجام می‌شد هم حالت یکنواختی متن شکسته نمی‌شد و هم نقش مخاطبین به‌طور فعال و پویا مورد تأکید قرار نمی‌گرفت، لذا تأثیر متن بر مخاطب کاهش می‌یافت. از سوی دیگر، در وجه امری موضع درخواست‌کننده به لحاظ قدرت نسبت به مخاطبین مورد تأکید قرار می‌گرفت و هیچ‌گونه رابطه برابری و تساوی که باعث ایجاد حس صمیمیت و راحتی میان گوینده و شنونده می‌شود در متن ایجاد نمی‌شد. از مجموع آنچه گفته شد می‌توان استدلال کرد مهم‌ترین وظیفه‌ای که خداوند متعال از مخاطبین آیات انتظار دارد این است که با مشاهده نعماتی که در آیات ابتدایی سوره به‌طور متناوب به بیان آن‌ها پرداخته است و برای همگی آن‌ها نام آلاء را به‌کار می‌برد، صرفاً تفکر و اندیشه کنند و آن آیات را تکذیب نکنند. نتیجه تکذیب‌نکردن به لحاظ ذهنی، ایمان‌آوردن و پذیرفتن این نکته است که این آلاء دارای خالق توانمند هستند که در جایگاه کنشگر فرایندهای مادی در جملات خبری به شکل ضمیر مستتر در فعل قابل دریافت است. این آیه پرسشی ۳۱ بار در طول آیات ذکر شده است، لذا به‌طور متناوب اهمیت این نکته را به مخاطبین گوشزد می‌کنند که خواسته‌آفریننده این همه نعمات از مخاطبین آیات صرفاً تکذیب‌نکردن و ایمان‌آوردن به وجود کنشگری است که این آیات را پدید آورده است و نه چیز دیگر. در تصویر شماره ۴ که از نگاره‌های معراج‌نامه پیامبر است نیز به این مسئله اشاره شده است.



تصویر ۴. مجازات شهادت‌دهندگان به دروغ، معراج‌نامه شاهرخی. (منبع: رزسگای: ۱۳۸۵)

در آیات انتهایی سوره (به‌طور مکرر از آیه ۴۰ به بعد)، تعداد فرایندهای وجودی و رابطه‌ای از نوع شناسایی افزایش می‌یابد.

فرایند وجودی دارای یک مشارک اصلی است که موجود نام دارد (همان: ۲۳۸). مانند

۴- هوا هست؛

۵- در زمین اکسیژن هست؛

۶- ستاره در آسمان است.

در این مثال‌ها به ترتیب عناصر هوا، اکسیژن و ستاره مشارک اصلی هستند که همان موجود نامیده می‌شود. در فرایندهای وجودی نیز ممکن است؛ مانند سایر فرایندها ممکن است به‌غیر از فعل و مشارکین اصلی، عناصر حاشیه‌ای یا پیرامونی هم وجود داشته باشند. مهم‌ترین عنصر حاشیه‌ای که به لحاظ ساختاری از متمم‌های اجباری فعل به‌شمار نمی‌آیند یا به‌عبارتی برای تکمیل ساختار دستوری فعل الزامی نیستند، عناصر حاشیه‌ای هستند که به مکان دلالت می‌کنند و عناصر حاشیه‌ای مکانی نامیده می‌شوند (همان: ۲۳۹). در مثال شماره ۵ و شش، زمین و آسمان عناصر حاشیه‌ای مکانی هستند.

در اغلب آیاتی که در این سوره دارای فرایند وجودی هستند، عنصر حاشیه‌ای مکان هم وجود دارد. این عنصر حاشیه‌ای در آیات ابتدایی‌تر به زمین اشاره می‌کند مانند: "فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ" (۱۱). در این آیه عنصر حاشیه‌ای ضمیر "ها" است که به لغت زمین که در آیه قبلی (وَالْأَرْضُ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ) (۱۰)) بدان اشاره شده است برمی‌گردد. همچنین در آیه شماره یازده فاکهه و نخل مشارکان اصلی فرایند یعنی "موجود" محسوب می‌شوند. اما در آیات انتهایی

همانطور که در آیه ۵۰ یعنی "فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ" دیده می‌شود عنصر حاشیه‌ای در کلمه فیهما ضمیری است مثنی که به آیه ۴۶ در قبل از خود یعنی "وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ" برمی‌گردد. لذا به باغ‌های (بهشت) اشاره می‌کند. در آیه ۵۰ و نیز سایر آیاتی که با استفاده از فرایند وجودی، وجود یک مشارک با عنوان "موجود" در "عنصر حاشیه‌ای مکانی" (باغ‌های بهشت) توصیف می‌شود، مشاهده می‌شود عنصری که در نقش موجود ظاهر می‌شود، پدیده‌ای ملموس و عینی است که انسان در زندگانی دنیوی آن را تجربه کرده و نسبت به آن شناخت کافی دارد مانند عین (چشمه)، فاکهه (میوه)، نخل و... بدین ترتیب در آیات ابتدایی فرایند وجودی به توصیف پدیده‌های موجود در زندگانی دنیوی و بر روی زمین می‌پردازند و در آیات انتهایی همان پدیده‌ها و وجودشان در دنیایی دیگر در باغ‌های بهشت مورد تاکید قرار می‌گیرند تا نشان دهند که همانگونه که این پدیده‌ها در این دنیا ملموس و به واسطه رحمانیت خداوند (عنوان سوره) در دسترس عموم مردم قرار گرفته‌اند، در دنیای آخرت نیز همه این پدیده‌های مطلوب موجود هستند اما بر اساس محتوای آیات فقط در دسترس بندگانی قرار می‌گیرند که از مقام پروردگارشان خوف و ترس داشته باشند نه همه مردم (وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ (۴۶)).

فرایندهای رابطه‌ای به دو دسته فرایندهای رابطه‌ای شناسایی و فرایندهای رابطه‌ای اسنادی طبقه‌بندی می‌شوند. فرایند رابطه‌ای شناسایی نوع رابطه همسانی در دو طرف مشارکین دیده می‌شود و پدیده‌ای توسط پدیده دیگر شناخته می‌شود. در این رابطه، دو مشارک وجود دارد که عبارت‌اند از نمونه و ارزش. در این رابطه شناسا، هویت شناخته را بیان می‌کند. ویژگی این رابطه این است که دو طرف رابطه می‌توانند جای خود را با همدیگر عوض کنند (مهاجر و نبوی، ۱۳۹۳: ۴۴).

زیبائی‌های طبیعت از نشانه‌های عظمت او است.

ارزش پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نمونه

رابطه

مایه پرهیزگار قوت صبر است و عقل.

رتال جامع علوم انسانی

نمونه ارزش رابطه ارزش

حالت دیگر فرایندهای رابطه‌ای فرایندهای اسنادی هستند. این حالت بیان‌کننده رابطه میان یک پدیده و یک صفت است. در این رابطه نیز دو شرکت‌کننده وجود دارد و یکی که در دنیای خارج است، حامل نامیده می‌شود. مشارک دیگر که صفت آن پدیده است شاخص یا مسند نام دارد. در این گونه فرایند رابطه‌ای معمولاً امکان جابه‌جایی دو طرف رابطه با یکدیگر وجود ندارد (تامپسون، ۲۰۱۴: ۸۷).

نوشته‌های او سرشار از احساسات پاک است.

حامل شاخص فرایند وصفی

بررسی آیات نشان می‌دهد بیشتر آیاتی که در آن‌ها فرایند رابطه‌ای وجود دارد از نوع اسنادی هستند. مثلاً در آیات *كَانَ هُنَّ أَلْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ* (۵۸) به ترتیب ضمیر *هِنَّ* که به کلمه قاصرات در آیه ۵۶ برمی‌گردد در جایگاه شاخص و یاقوت و مرجان در جایگاه حامل استفاده شده است. در بیشتر این آیات رابطه اسنادی میان پادشاه‌های اخروی (در مثال بالا قاصرات) که در نقش شاخص فرایند قرار می‌گیرند با پدیده‌های زندگی دنیوی (یاقوت و مرجان) در جایگاه حامل برقرار می‌شود؛ لذا هدف این فرایندها ایجاد ارتباط میان پدیده‌های انتزاعی دنیای اخروی و پدیده‌های ملموس دنیای اولی است تا به‌طور ملموس و عینی تصویر دنیای آخرت برای مخاطبان مجسم شود. در تصویر شماره ۵ نیز که از نگاره‌های موجود در معراج‌نامه شاهرخی است، تصاویری از دوزخ و پدیده‌های انتزاعی موجود در آن ترسیم شده است.



تصویر ۵. مجازات مست‌شوندگان با شراب. معراج‌نامه شاهرخی. (منبع: رزسگای: ۱۳۸۵)

نکته آخر در این بخش که مجدداً با ارجاع به فرانش بینافرادی باید مورد بررسی قرار داد این است دربندهای خبری، نقش گوینده اطلاع‌رسانی است و گوینده‌ای که اطلاع‌رسانی می‌کند بسته به اینکه از عناصر وجه نما برای بیان وجهی‌ات یا میزان قطعیت کلام خود استفاده کند یا نکند، میزان قطعیت و علم و آگاهی خود نسبت به موضوعی را به مخاطب نشان می‌دهد. مثلاً بررسی مثال‌های ۴ و ۵ نشان می‌دهد. در مثال ۴ گوینده کاملاً آگاه و عالم است؛ درحالی که در مثال ۵ نسبت به سخن خود اطمینان کامل ندارد.

۱- مادر: "علی آمد."

۲- مادر: "گویا علی آمده است."

در زبان عربی افعالی مانند یجب، یحتمل، یمكن و...، قیودی مانند دائماً، عاد و... و حرفی مانند قد، لعل، انما و... بیانگر وجهی‌ات هستند (عرب‌زوزنی، ۱۳۹۳، ص ۱۷). اما فعل همواره این علایم را با خود ندارد لذا نمی‌توان همواره وجهی‌ات را با افعال و قیود مشخص کرد؛ لذا وجهی‌ات یک مقوله معنایی است که می‌تواند به کمک ساختار دستوری وجه نمود پیدا کند یا خیر. در تمام آیات مورد بررسی در این سوره آیات به لحاظ معنایی دارای وجهی‌ات قطعی هستند و نشان‌دهنده این است که گوینده با علم و آگاهی صددرصد آیات خود را بیان می‌کند؛ لذا بار دیگر این نکته با توجه به ترتیب ارائه مطالب که از مفاهیم عینی زندگانی دنیایی شروع می‌شوند و به مسائل دنیای اخروی ختم می‌شوند، بر این موضوع تأکید می‌کند که گوینده این آیات همان‌طور که با قطعیت از دنیای مادی سخن می‌گوید و تمام مخاطبین نیز با عینیت کامل این مسائل را در زندگی دنیوی خود تجربه کرده‌اند، با همان میزان قطعیت از دنیای اخروی نیز سخن می‌گوید و مخاطبینی که بنابه فرموده خود آیات از خداوند ترس داشته باشند در دنیای آخرت نیز همه این موهبت‌ها و نعمات را تجربه خواهند کرد. البته تکرار آیه فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ بر این موضوع تأکید می‌کند که شرط تجربه این موهبت‌ها در دنیای آخرت تکذیب‌نکردن نعمت‌های الهی و مهم‌تر از همه ایمان به همان کنشگری است که در فرایندهای مادی به شکل ضمیر سوم‌شخص "هو" مستتر است.

۳۲. فرانش متنی

از منظر فرانش متنی نیز موارد متعددی مانند ساخت اطلاع، ساخت مبتدا - خبری، انسجام و ارجاع‌دهی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. در این پژوهش ارجاع‌دهی و نقش آن در ایجاد انسجام و دلالت‌های نشانه‌شناختی آن از منظر نوع سخن بررسی می‌شود. به‌طور کلی ارجاع‌دهی از منظر ایجاد انسجام در متن حائز اهمیت است و با نحوه معرفی مشارکین کلام توسط گوینده یا نویسنده در متن برای اولین بار و نیز در هر بار تکرار آن‌ها در متن ارتباط دارد (اگینز، ۳۳). هر بار که مشارکی در متن ارائه می‌شود، نویسنده باید مشخص کند که آیا هویت آن - او برای خواننده از قبل شناخته شده است یا نیست. اگر هویت ناشناخته‌ای برای اولین بار مطرح شود، ارائه یا ارجاع‌دهی بدون پیش‌زمینه نامیده می‌شود؛ در حالی که چنانچه به عبارتی که برای مخاطب شناخته شده باشد اشاره شود، ارجاع‌دهی پیش‌زمینه‌ای نامیده می‌شود. ایجاد پیوستگی میان عناصر متن به لحاظ کاربرد ضمیر شخصی و اسامی و صفات خاصی انجام می‌گیرد که دارای ارجاع پیش‌زمینه‌ای هستند. این دسته از ارجاعات توسط یکی از بافت‌های زیر توسط مخاطب قابل بازیابی و تشخیص هستند (همان: ۳۴):

- ۱- بافت فرهنگی مشترک: چقدر آسمان زیباست. کلمه آسمان برای همه مخاطبان قابل‌شناسایی است و در پاسخ سوال کدام آسمان همه مخاطبین به‌عنوان افراد این دنیا آن را می‌شناسند. این‌گونه ارجاع پیش‌زمینه‌ای ارجاع فرهنگی نامیده می‌شود. در انگلیسی این عبارات معمولاً با حرف تعریف معرفه (the) استفاده می‌شوند.

۲- بافت موقعیتی بلافصل: کتاب را به او بده. در این جمله اگر گوینده و شنونده در یک محیط بافتی قرار گرفته باشند، مخاطب مرجع ضمیر او را در بافت موقعیتی شناسایی خواهد کرد. این‌گونه ارجاع‌دهی ارجاع برونی نامیده می‌شود.

۳- بافت کلامی: نرگس کتاب خرید. او آن را به دوستش داد. مرجع ضمیر او و آن با مراجعه با بافت کلامی قابل‌بازیافت است و این‌گونه ارجاع‌دهی را ارجاع درونی می‌نامند.

این پژوهش به دلیل نداشتن مجال کافی برای پرداختن به همه این عناصر، صرفاً به بررسی انسجام از زاویه ارجاعات شخصی و ارجاعات پیش‌زمینه‌ای فرهنگی می‌پردازد. شایان‌ذکر است در این پژوهش این ارجاعات فرهنگی برای اولین بار در زبان عربی مورد بررسی قرار خواهند گرفت. در زبان عربی وجود حرف "ال" مانند the انگلیسی بر سر اسامی، دلالت بر معرفه بودن آن‌ها دارد و نشان می‌دهد این اسامی برای مخاطب شناخته شده هستند. این عناصر مطابق جدول ۳. دارای ارجاع‌دهی پیش‌زمینه‌ای از نوع اول یعنی ارجاع فرهنگی هستند.

جدول ۳. اسامی معرفه و شماره آیات آن‌ها

شماره آیه	اسامی معرفه
۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹	الرحمن - القرآن - الانسان - البيان - الشمس - القمر - النجم - الشجر - السماء
۱۰-۱۱-۱۲-۱۴-۱۵-۱۷	- الميزان - الارض - الوزن - النخل - الاكمام - الحب - العصف - الريحان - الجان
۱۹-۲۲-۲۴-۲۹-۳۱-۳۳	- المشرقين - المغربين - البحرين - اللؤلؤ - المرجان - الجوار - المنشات -
۳۷-۴۱-۵۸-۶۰-۷۸	الاعلام - السماوات - الثقلان - السماوات - الجن - الانس - الدهان - السماء - المجرمون - النواصي - الاقدام - الاحسان - الجلال - الاكرام - الياقوت

همانطور که مشاهده می‌شود در آیات ابتدایی این آیات کلمات معرفه که دارای ارجاع فرهنگی هستند و برای همه افراد بشر به لحاظ فرهنگی قابل‌شناسایی هستند بیشتر مشاهده می‌شوند. به‌غیراز سه کلمه الرحمن، الجلال و الاکرام که به صفات خداوند متعال برمی‌گردند، مابقی کلمات به پدیده‌های جهان طبیعت اشاره می‌کنند. از سویی دیگر همانطور که در بخش ۴-۱ اشاره شد، در این آیات ابتدایی (۴۰ آیه اول) تمرکز بر جلب‌توجه مخاطبان بر پدیده‌های مادی و نعمت‌های دنیایی است که در دنیای پیرامون آن‌ها وجود دارد. استفاده از این اسامی که مخاطب در آن‌ها ارجاع‌دهی فرهنگی انجام می‌دهد. علاوه‌بر اینکه با کلیددهی و ارجاع به عناصر بافت موقعیتی در متن باعث ایجاد انسجام و پیوستگی متن می‌شود، حس وحدت و همبستگی میان مخاطبین را نیز فراهم می‌آورد. زیرا بر تعلق همه آن‌ها به دنیایی مشترک با ارجاع‌دهی به مقولاتی که در دنیای واحد همه آن‌ها وجود دارد، تاکید می‌کند، زیرا مرجع خورشید، ماه، زمین و... برای همه انسان‌ها مشخص و یکی است. در واقع این‌گونه ارجاع‌دهی باعث ایجاد حس وحدت و برابری بیشتر میان همه مخاطبین آیات اعم از انس و جن و همه آن‌ها با یکدیگر می‌شود.

نکته دیگری که در این بخش حائز اهمیت است ارجاع به خداوند با استفاده از اسامی الرحمن، ذوالجلال والاکرام و رب است. وجود این عبارات نشانگر این است که در این عبارات خداوند متعال به جای استفاده از ضمیر شخصی اول شخص یا سوم شخص مفرد از نقش‌ها و صفات خود برای ارجاع به خود استفاده کرده است. این کار که بدان ارجاع نقشی^۱ (لارسن، ۱۹۹۸: ۱۳۹-۴۰) گفته می‌شود باعث تأکید و توجه بیشتر مخاطب به نقش گوینده می‌شود؛ لذا باتوجه به معنای کلمه الرحمن که صیغه مبالغه از نام رحمانیت عام خداوند است. باتوجه به اینکه نام این سوره "الرحمن" است، در تمام آیات، مخاطب متوجه است که خداوند این نعمت‌ها را به لحاظ رحمت عامه خود در اختیار همه انسان‌ها قرار داده است؛ لذا دلگرم و امیدوار به رحمت او خواهد شد. از سوی دیگر تکرار مکرر کلمه رب (۳۶ بار در کل آیات)، علاوه بر اینکه به انسجام متن کمک می‌کند، جایگاه پروردگار را در خلق پدیده‌ها و پرورش انسان‌ها و سایر مخلوقاتش به مخاطب متذکر می‌شود، لذا ذهن وی را برای پذیرش و ایمان آوردن به خداوند متعال آماده‌تر می‌سازد.

نتیجه‌گیری

باتوجه به نتایج تحلیل‌ها در بخش قبل در پاسخ به سؤالات پژوهش موارد زیر قابل تحلیل و بررسی است: در پاسخ به سؤال اول پژوهش از نظر موضوعات مطرح شده در این آیات باتوجه به فرانش اندیشگانی، فرایند ذهنی به طور متناوب در تمام آیات، فرایند مادی در ۴۰ آیه ابتدایی و فرایندهای وجودی و رابطه‌ای از نوع اسنادی در آیات انتهایی به ترتیب بیشترین بسامد را دارند. در سؤال دوم سیر منطقی ارائه موضوعات مورد توجه قرار گرفته است. بررسی روند ارائه موضوعات به مخاطب نشان می‌دهد در ابتدا گوینده توجه مخاطب را به محیط اطراف، نظم موجود در آن و انواع نعمت‌های الهی در آن که برای وی ملموس و مشهود است جلب می‌کند. سپس در انتهای آیات باتوجه به برقراری رابطه تشابه میان جهان عقبی و جهان دنیا، به وی متذکر می‌شود همان‌طور که پدیده‌ها در این دنیا به سادگی تحت اراده عاملی دانا فراهم آمده‌اند، دنیای عقبی نیز که هم اکنون نشانی از آن نیست، به همین ترتیب به وجود خواهد آمد و ندیدن آن جهان دلیل بر عدم وجود آن نخواهد بود. همچنین تکرار فرایند ذهنی تکذیبون پس از بیان هر پدیده، مهم‌ترین انتظار پروردگار از مخاطب را به وی گوشزد می‌کند؛ اما به شیوه‌ای کاملاً غیرمستقیم از رهگذر کنش گفتاری غیرمستقیم فرمان‌دادن با استفاده از پرسش انکاری او را ترغیب به پذیرش و ایمان به بندگی خداوند می‌کند. تکرار استفهام تقریری در قالب کنش گفتاری پرسش باعث تغییر نقش گوینده از نقش منفعل به نقش فعال به طور متناوب در سراسر متن می‌شود؛ لذا متن را از حالت یکنواختی باز می‌دارد. ضمن اینکه فضایی صمیمی و غیررسمی میان مخاطب و گوینده ایجاد می‌کند از او می‌خواهد در فضایی کاملاً آزاد و به‌دوراز هرگونه اجبار، اندیشه و تفکراتش را مورد بازبینی قرار دهد. گویی هر بار تکرار این آیه انتظار تحول و انقلابی را در اندیشه مخاطب بالاتر می‌برد و هر بار تکرار که پس از ذکر یک نعمت انجام می‌شود، قصد تعالی اندیشه‌ها و تفکرات او را دارد. از منظر فرانش متنی در پاسخ به سؤال سوم پژوهش، یکی استفاده از ارجاع فرهنگی در این آیات بسیار مشهود است و دیگری استفاده از ارجاعات نقشی و

^۱ role designation

تکرار کلمه رب بجای استفاده از ضمیر اول شخص مفرد. ارجاع فرهنگی باعث گوشزد کردن اشتراکات همه مخاطبین می‌شود؛ لذا به دلیل ایجاد حس تعلق خاطر به دنیایی مشترک میان همه مخاطبان قرآن، میان آن‌ها حس وحدت و یکپارچگی ایجاد می‌کند. از سویی دیگر، نشان می‌دهد از منظر قرآن، به خاطر وجود این اشتراکات همه مخلوقات با یکدیگر یکسان هستند همان‌طور که تکرار آیه فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ نشان می‌دهد، وظیفه همه آنان ایمان به پروردگارشان است. بررسی نشانه‌شناختی اجتماعی در نگاره‌های معراج‌نامه شاهرخی نیز حاکی از این است ترسیم صحنه‌های بالارفتن حضرت محمد از آسمان‌ها، وجود فرشته‌ها و درخشش نور حاکی از وجود نشانه‌های حیات روحانی و جسمانی در این نگاره‌ها است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

کتابها

بوآس، جی و دی ران. (۱۳۷۶). دیرینه زبان‌شناسی عربی. ترجمه سید علی میرعمادی. تهران: انتشارات رهنما.
 فراستخواه، مقصود. (۱۳۷۶). زبان قرآن. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
 رزسگای، فرانسیس. (۱۳۸۲). معراجنامه: سفر معجزه آسای پیامبر(ص). ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.

فرقانی، م. (۱۳۸۲). راه دراز گذار. تهران: فرهنگ و اندیشه.

طبرسی، فضل‌بن‌حسن. (۱۳۸۴). مجمع‌البیان فی فسیر قرآن، ج ۹، تهران: ناسرخسرو.

نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل، ج ۴، قم: آل‌البیت.

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۱). آشنایی با قرآن، جلد ۲۸. تهران: بنیاد علمی و فرهنگی شهید مطهری.

مهاجر، مهران و نبوی، محمد. (۱۳۹۳). به سوی زبان‌شناسی شعر. چاپ بیست و سوم، تهران: انتشارات آگه.

میردهقان، مهین‌ناز، طالب‌لو، علیرضا و رحمان‌پور، رقیه. (۱۳۹۲). تحلیل گفتمان قدرت در قرآن کریم. مجموعه مقالات دومین همایش ملی اعجاز قرآن. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

مقالات

شریفی، حدیث؛ فواد، نجم‌الدین. (۱۳۹۳). «تحلیل نشانه‌شناختی گفتمانی سوره الرحمن (مبتنی بر الگوی تنشی)». پژوهش‌نامه تفسیر و زبان قرآن، ۷۲-۴۷.

عرب‌زوزنی، محمدعلی. (۱۳۹۳). «بررسی ساختار وجهی خطبه نهج‌البلاغه براساس فرانقش بینافردی نظریه هلیدی». فصلنامه پژوهش‌نامه نهج‌البلاغه، شماره ۷، ۳۲-۱۱.

قائمی‌نیا، علیرضا. (۱۳۸۶). «دانش نشانه‌شناسی و تفسیر در قرآن». مجله قرآن و علم، شماره اول. ۱۶۰-۱۳۷.

محققیان، زهرا. (۱۳۹۳). «نشانه‌شناسی لایه‌ای آیات قرآن کریم با توجه به روابط درون‌متنی و بینامتنی». قرآن‌شناخت، شماره اول، ۴۶-۲۷.

محققیان، زهرا و پرچم، اعظم. (۱۳۹۴). نشانه‌شناسی ارتباطات غیرکلامی در قرآن کریم. تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۴. صص: ۱۵۶-۱۲۹.

محکی، علی‌اصغر و سوزنچی، راضیه. (۱۳۹۱). «نشانه‌شناسی نمادهای بهشت در قرآن کریم». مجله مدیریت فرهنگی، شماره ۱۵. صص: ۳۰-۱۹.

مسعودی، جهانگیر. (۱۳۸۶). «هرمنوتیک به‌مثابه روش تحقیق در علوم دینی»، پژوهش‌های فلسفی - کلامی، شماره ۳ و ۴، ۲۲-۱۰.

نجفیان، آرزو، عامری، حیات و قیومی، صدیقه. (۱۳۸۹). «نگاهی نشانه‌شناختی به واژه آیه در قرآن کریم». فصلنامه علمی - پژوهشی نقد ادبی، ش ۱۰. صص: ۲۰۳-۱۷۵.

منابع لاتین

- Firth J. R. (۱۹۵۰). Personality and Language in Society. In Firth ۱۹۵۷: ۱۷۷-۸۹.
- Egins .S. (۲۰۰۴). An Introduction to Systemic Functional Linguistic. London: Pinter.
- Halliday .M. A. K. (۱۹۸۵). An Introduction to Functional Grammar. London: Edward Arnold.
- Halliday .M. A. K. (۱۹۷۸). Language as social semiotic: the social interpretation of language and meaning. London & Baltimore: Edward Arnold & University Park Press
- Halliday .M. A. K. (۱۹۹۴). An Introduction to Functional Grammar .۲nd. ed. London: Edward Arnold.
- Halliday .M. A. K. and Matthiessen .C. M. I. M. (۲۰۰۴). An Introduction To Functional Grammare ,۳rd ed. London: Edward Arnold.
- Larson .M. L. (۱۹۹۸). Meaning-based Translation ,A Guide to Cross-Language Equivalence .University Press of America .Inc. Lanham ,New York ,Oxford.
- Malinowski .B. (۱۹۲۳/۴۶) The Problem of Meaning in Primitive Languages. Supplement I to C K .Ogden and I .A. Richards The Meaning of Meaning (۸th edition ,۱۹۴۶). New York: Harcourt. Brace & . World ,۲۹۶-۳۳۶.
- Martin J. R. (۲۰۰۰). "Close reading: functional linguistics as a tool for critical discourse analysis". In Unsworth .J (Ed). Researching language in schools and communities.
- Thompson. G. (۲۰۱۴). Introducing Functional Grammar. London: Arnold ,Third Edition.
- Van Dijk .T. A. (۱۹۹۳). Principles of Discourse Analysis". In Discourse and Society . SAGE. (London. Newbury Park and New Delhi) .vol. ۴(۲): ۲۴۹-۲۸۳.